

Study of the Goals and Components of the Trump Plan of the Century Deal and Its Impact on the Resistance Front's Regional Position

Abalreza Farajirad*

Associate Professor of Political Geography, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Research
aSciences Branch, Tehran, Iran

Reza Shamloo

PhD Student in Military Strategic Management, University and Research Institute for Strategic Studies and
Research in National Defense, Tehran, Iran

Received: 15, June, 2020

Accepted: 05, October, 2020

Abstract

Called the "Deal of the Century," plan proposed by the US government and the Quds occupying regime, with the support of Saudi Arabia and neighboring countries, to end the Zionist regime's conflict with Palestine and a crucial step in the direction of fulfilling the Zionist aspiration The removal Palestine from the geography of the world's first Muslim Qiblah, the normalization of Arab-Zionist relations, and the weakening of the discourse of resistance. The purpose of this study is to explain the American plan of century deal and its impact on the resistance axis. This is an applied research that uses a descriptive approach with a mixed approach to try answer the main research question "what effect does the American plan of the century have on resistance axis?" The required data were also collected by library and field methods and analyzed by mixed methods (quantitative and qualitative). The reliability of the questionnaire was calculated by Cronbach's alpha method at 88% and for statistical significance, the statistical test was used by chi-square test at 95% confidence level and 0.05 error. The findings of the article indicate that results of this plan include widespread instability and insecurity in West Asia, increased threats against Iran, the weakening of Iran's relationship with resistance groups, disarmament of Palestinian resistance groups, and reduction in the depth of geopolitical influence. Iran will form broad coalition of competing axes against the infiltration of resistance front in the region, weakening and capturing Iran and the regional allies of the resistance axis.

Key words: Century Deal, Occupying Jerusalem Regime, Occupied Palestine, Axis of Resistance, iran.

* **Corresponding Author:** r.shamloo1354@gmail.com

واکاوای اهداف و اجزای طرح صلح ترامپ موسوم به معامله قرن و تأثیر آن بر جایگاه منطقه‌ای جبهه مقاومت

عبدالرضا فرجی‌راد

دانشیار جغرافیای سیاسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

رضا شاملو*

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی، دانشگاه و پژوهشگاه مطالعات و تحقیقات راهبردی دفاع ملی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴

چکیده

طرحی که از آن به‌عنوان «معامله قرن» یاد می‌شود، طرحی به پیشنهاد دولت آمریکا و رژیم اشغالگر قدس و با حمایت عربستان و کشورهای همسوی برای پایان دادن به منازعه رژیم صهیونیستی با فلسطین و یک گام بسیار مهم در مسیر تحقق آرزوی صهیونیست‌ها با هدف محو نمودن فلسطین، قبله اول مسلمین جهان، از صحنه جغرافیا، عادی‌سازی روابط عربی- صهیونیستی و تضعیف گفتمان مقاومت پی‌ریزی شده است. هدف این پژوهش، بررسی اهداف طرح آمریکایی معامله قرن و تأثیر آن بر جایگاه منطقه‌ای جبهه مقاومت است. این تحقیق از نوع کاربردی است که با بهره‌گیری از روش توصیفی با رویکرد آمیخته سعی دارد به این سؤال اصلی تحقیق که «اهداف و اجزای طرح معامله قرن چیست و چه تأثیری بر جایگاه منطقه‌ای جبهه مقاومت دارد؟» پاسخ دهد. داده‌های موردنیاز نیز با استفاده از روش کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ عدد ۰/۸۸ به دست آمده و برای اطمینان از معناداری پاسخ جامعه آماری، از آزمون خی دو در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰/۰۵ بهره گرفته شده است. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که نتایج اجرای این طرح، بی‌ثباتی و ناامنی گسترده در غرب آسیا، افزایش تهدیدات علیه ایران، خلع سلاح و کم‌رنگ‌تر شدن ارتباط ج.ا.ایران با گروه‌های مقاومت فلسطینی، کاهش عمق نفوذ ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران، شکل‌گیری ائتلاف گسترده از محورهای رقیب علیه نفوذ جبهه مقاومت در منطقه، تضعیف و زمین‌گیر کردن ایران و متحدان منطقه‌ای محور مقاومت خواهد بود.

واژگان کلیدی: معامله قرن، رژیم اشغالگر قدس، فلسطین اشغالی، محور مقاومت، جمهوری اسلامی ایران.



DOI: 10.22080/jpir.2020.2956

*نویسنده مسئول: r.shamloo1354@gmail.com

صفحات: ۲۷۸-۲۴۹

مقدمه

منازعه فلسطین- رژیم صهیونیستی یکی از قدیمی‌ترین و درعین‌حال مهم‌ترین منازعات در منطقه غرب آسیا به شمار می‌آید که برای بیش از نیم‌قرن نه‌فقط لاینحل باقی‌مانده، بلکه به سبب بروز مسائل جدیدتر روزبه‌روز حالت پیچیده‌تری نیز به خود گرفته است. منازعه یادشده از معدود مسائلی است که طی بیش از شش دهه، در عین مشغول داشتن بخش بزرگی از دولت‌های منطقه غرب آسیا به خود، در کانون توجه ایالات‌متحده آمریکا نیز قرار دارد. مدیریت منطقه کلیدی غرب آسیا همواره یکی از اهداف اصلی آمریکا بوده و تلاش می‌کند با بهره‌گیری از حمایت‌های سیاسی و دلارهای نفتی کشورهای وابسته و با استفاده از ابزارهای سیاسی، امنیتی، روانی و اقتصادی به اهداف و سیاست خارجی خود در منطقه دست پیدا کرده و نه‌تنها روند موفقیت‌آمیز جبهه مقاومت را متوقف نماید و نقشه سیاسی موردنظر خود را در منطقه حاکم کند، بلکه با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های خود، هرچه زودتر به طرح معامله قرن جامه عمل بپوشاند.

از سوی دیگر، روند رو به گسترش نفوذ جبهه مقاومت به رهبری ج.ا. ایران در غرب آسیا موجبات نگرانی اصلی آمریکا، رژیم صهیونیستی و کشورهای وابسته و همسو را فراهم آورده و پیروزی‌های جبهه مقاومت و بسته‌شدن طومار داعش علیرغم تمامی حمایت‌های آمریکا و کشورهای منطقه، بر سرعت، دامنه و عمق نفوذ منطقه‌ای جبهه مقاومت افزوده است. سقوط داعش و عیان شدن مشکل و تهدید امنیتی صهیونیستی از سوی ایران و جبهه مقاومت (تصریح‌شده در سند استراتژی نظامی رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۷) و هراس رژیم صهیونیستی از همسایگی با ایران به‌عنوان رهبری جبهه مقاومت، پیشرفت‌های نظامی حماس و حزب‌الله و ظرفیت‌های مهم و قابل‌توجه جریان‌های جدید مقاومت در سوریه و یمن، موجب افزایش نگرانی رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی از قدرت و نفوذ فزاینده جبهه مقاومت در منطقه شده است. امروز ایستادگی در برابر رژیم صهیونیستی و حمایت از آرمان فلسطین، دیگر اولویت اصلی سیاست خارجی کشورهای عربی و سرلوحه روابطشان با دیگر کشورهای جهان نیست؛ چراکه تحولات پیاپی و شتابان دهه اخیر در جنوب غرب آسیا، مانند کشمکش‌های داخلی ناشی از امواج خروشان بیداری اسلامی، منازعه سران عرب با یکدیگر در اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج‌فارس و تهدیدهای ناشی از گسترش افراطی‌گری و تروریسم و غیره توجهشان را از قضیه فلسطین دور نموده است. رژیم صهیونیستی نیز می‌کوشد از این شرایط و بی‌انگیزگی دولتمردان عرب، ابزاری برای فشار بر فلسطینیان بسازد تا وادار به پذیرش طرح دونالد ترامپ موسوم به معامله قرن گردند. در این

پژوهش به بررسی اهداف و اجزای طرح صلح ترامپ، موسوم به معامله قرن و تأثیر آن بر جایگاه منطقه‌ای جبهه مقاومت پرداخته شده و سعی شده است که به این پرسش پاسخ داده شود که «اهداف و اجزای طرح آمریکایی موسوم به معامله قرن چیست و چه تأثیری بر جایگاه منطقه‌ای جبهه مقاومت دارد؟». در پاسخ به این پرسش یک فرضیه اصلی مطرح می‌شود که به نظر می‌رسد طرح آمریکایی معامله قرن در صورت اجرا موجب تضعیف گفتمان مقاومت (تضعیف جبهه مقاومت و حزب‌الله و سایر گروه‌های مبارز با رژیم اشغالگر قدس، تقویت رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای در مقابله با کشورهای جبهه مقاومت در منطقه) می‌گردد. سایر فرضیه‌های فرعی تحقیق عبارتند از:

۱. به نظر می‌رسد این اقدام تهاجمی دولت ترامپ در جهت کسب موفقیت در انتخابات آتی و برای حفظ منافع رژیم صهیونیستی (همسویی بیشتر آپیک با آمریکا در جهت تقویت رژیم صهیونیستی، تقویت حضور و نقش آمریکا به‌عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای در حمایت از رژیم صهیونیستی) است.

۲. به نظر می‌رسد طرح معامله قرن به دلیل تمرکز بر عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی، ائتلاف علیه جبهه مقاومت به‌ویژه ج.ا.ایران را آسان‌تر خواهد کرد.

۳. به نظر می‌رسد این طرح موجب کاهش نفوذ ج.ا.ایران به‌عنوان مهم‌ترین دشمن رژیم صهیونیستی در محیط راهبردی جبهه مقاومت به‌عنوان عمق نفوذ ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران می‌گردد.

از آنجایی که شناخت چنین موضوعاتی در جهت اتخاذ تصمیمات راهبردی و تدوین سیاست‌های اثربخش از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، بنابراین فقدان شناخت اهداف و اجزای طرح صلح ترامپ موسوم به معامله قرن و تأثیر آن بر جایگاه منطقه‌ای جبهه مقاومت مسئله این تحقیق را تشکیل می‌دهد. این تحقیق بدین جهت از اهمیت برخوردار است که می‌تواند تأثیر معامله آمریکایی قرن بر جبهه مقاومت را مورد شناسایی قرار داده و به‌عنوان مبنای علمی برای تعیین رفتار ج.ا.ایران در صحنه رقابت و تنش‌های منطقه‌ای باشد. همچنین می‌تواند به مراجع تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر دفاعی-امنیتی ج.ا.ایران در تدوین راهبردهای دفاعی امنیتی مناسب در قبال این موضوع کمک نماید. عدم انجام این تحقیق منجر به غافلگیری راهبردی ج.ا.ایران و جبهه مقاومت شود و در نهایت زمینه‌های تضعیف ج.ا.ایران و جبهه مقاومت را در منطقه فراهم نماید.

۱. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق کاربردی و روش انجام آن، توصیفی با رویکرد آمیخته^۱ است. نمونه آماری در این تحقیق ۲۰ نفر برآورد شده‌اند که شامل صاحب‌نظران و خبرگان و اساتید برجسته کشور در حوزه‌های دفاعی، سیاسی، روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک که دارای مدارک علمی دکتری و فوق‌لیسانس و حداقل سه سال سابقه خدمت در مشاغل مرتبط با موضوع پژوهش می‌باشند، انتخاب گردیده‌اند. روش گردآوری اطلاعات، مطالعه کتابخانه‌ای (شامل کتب و مقالات پیرامون موضوع، استناد به اسناد و مدارک موجود) و بررسی‌های میدانی شامل مصاحبه عمیق و پرسش‌نامه است. روایی و پایایی پرسش‌نامه‌های تنظیمی بر اساس نظرات صاحب‌نظران خبره و فرمول آلفای کرونباخ (۰,۸۸) و ضریب لاوشه (۰,۸) مورد تأیید قرار گرفته و در تحصیل داده‌ها از روش‌های علمی آمار توصیفی و استنباطی و نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. برای آزمون فرضیه نیز از روش آزمون خی دو در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰/۰۵ بهره گرفته شده است. در این پژوهش متغیر مستقل، طرح آمریکایی معامله قرن و متغیر وابسته، تضعیف جایگاه منطقه‌ای جبهه مقاومت می‌باشد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۲- پیشینه پژوهش:

۱. حسن مجیدی و جبار شجاعی در سال ۱۳۹۷ در مقاله‌ای با عنوان «شناخت زمینه‌های ارائه طرح معامله قرن^۲، امکان‌سنجی تحقق آن و رسالت شبکه‌های برون‌مرزی» به واکاوی ماهیت طرح یاد شده و رفتار سیاسی طراحان و بازیگران آن در چارچوب ابعاد پنج‌گانه مکتب کپنهاگ پرداخته‌اند. محققان در این تحقیق به این نتیجه رسیده‌اند که طرح مزبور، با توجه به زمینه‌هایی چون تأمین امنیت رژیم صهیونیستی، وجود نزاع سیاسی بین گروه‌های فلسطینی، تحولات قدرت در عربستان سعودی، کند شدن روند بیداری اسلامی، گسترش مقبولیت منطقه‌ای ایران به دنبال پیروزی‌های جبهه مقاومت موجب توسعه روابط آشکار و پنهان عربی - صهیونیستی، افزایش بحران

^۱ Mixed method

^۲ در عربی: صفقه القرن و در انگلیسی: Deal of the Century

اقتصادی در غرب آسیا و اهمیت انرژی در معادلات قدرت، در کنار جایگاه محوری مسجدالاقصی، صحرای سینا و کرانه باختری از منظر فرهنگی و ژئوپلیتیک شده است.

۲. امیر سخاوتیان در سال ۱۳۹۷ در مقاله‌ای با عنوان «معامله قرن و بازتاب آن در جهان اسلام» به شناسایی مفاد معامله قرن پرداخته و آن را در حد ممکن تحلیل نموده است. محقق در این تحقیق به این نتیجه رسیده است که دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی در حال اجرای این طرح هستند و با انتقال سفارتخانه آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس، نخستین گام را در اجرای معامله قرن برداشته‌اند. گام بعدی نیز قطع کمک‌های بشردوستانه به فلسطینیان از سوی آمریکا بوده است.

۳. دکتر حسین آجر لو در سال ۱۳۹۸ در مقاله‌ای^۳ با عنوان «زمینه‌ها و موانع طرح آمریکایی قرن» ضمن بررسی مفاد طرح معامله قرن، به واکاوی اهداف طرح معامله قرن پرداخته است. محقق در این تحقیق به این نتیجه رسیده است که دولت ایالات متحده آمریکا تاکنون طرح‌های مختلفی را برای حل قضیه فلسطین ارائه کرده است که مهم‌ترین عوامل آن راه‌حل دو کشور بوده است اما این طرح‌ها به دلایلی همچون عدم سازگاری با واقعیت‌های قضیه فلسطین و رویکرد حمایتی این کشور از رژیم صهیونیستی تاکنون با شکست روبرو بوده است.

۴. منصور ابوکریم در سال ۲۰۱۸ در مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌ها و شرایط معامله قرن آمریکا»^۴ در خبرگزاری الجزیره قطر به تحلیل معامله قرن می‌پردازد. او نه تنها این طرح را یافتن راه‌حلی برای مسئله فلسطین نمی‌داند، بلکه آن را طرحی مبتنی بر عادی‌سازی روابط عربی و رژیم صهیونیستی و در حاشیه راندن و نادیده گرفتن مسئله فلسطین در بازگشت و ایجاد یک کشور مستقل فلسطین عنوان کرده است.

۵. موریل آسبورگ در سال ۲۰۱۹ در مقاله‌ای با عنوان «معامله قرن برای فلسطین - اسرائیل»^۵ بیان می‌کند که این طرح به نفع منافع رژیم صهیونیستی و نادیده گرفتن حقوق فلسطینی‌ها است. او اعتقاد دارد تیم ترامپ (جرارد کوشنر - جیسون گرینبلات) بیش از همه بر همکاری اقتصادی و توسعه در سرزمین فلسطین تمرکز دارند و این امر موجب شده است تا طرح آمریکایی معامله قرن

^۳ ماهنامه سیاسی راهبردی بصائر، ۱۳۹۸، شماره ۳۹۵، سال سی و ششم، خردادماه. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی اجا.

^۴ ملامح و بنود صفة القرن الأمريكية

^۵ The "Deal of the Century" for Israel-Palestine

تا حد زیادی مورد توجه نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی قرار گیرد. هدف مهم این طرح این است که در آن رژیم صهیونیستی با قدرت‌های منطقه‌ای عرب و ایالات متحده آمریکا علیه ج.ا.ایران همکاری نزدیکی داشته باشند.

۳. مبانی نظری

۳-۱. جبهه (محور) مقاومت

جبهه مقاومت عبارت است از ائتلافی فراگیر و متشکل از کشورهای هم‌چون عراق، سوریه و گروه‌های مقاومتی همچون حزب الله لبنان، جهاد اسلامی فلسطین و جنبش حماس که توسط ج.ا.ایران با شناخت تهدیدات واقعی در منطقه شکل گرفته است. این جبهه با تداوم مقاومت، زمینه آزادسازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ و نوار غزه در سال ۲۰۰۵ را فراهم نموده و همچنان به مقابله خود با این رژیم ادامه می‌دهد (مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۹۸: ۳).

۳-۲. معامله قرن

بر اساس طرح معامله قرن قرار است رژیم صهیونیستی و تشکیلات خودگردان فلسطین و جنبش حماس توافق جدیدی برای ایجاد یک دولت فلسطینی کنند. این دولت فلسطینی شامل کرانه باختری و نوار غزه است که توسط پل هوایی به هم متصل خواهند شد، ولی زمین‌های اشغال‌شده توسط شهرک‌های صهیونیستی از این مناطق جدا و به رژیم صهیونیستی ملحق می‌شوند. حمایت مالی از اجرای این طرح بر عهده ایالات متحده آمریکا، کشورهای عضو اتحادیه اروپا و به خصوص کشورهای خلیج فارس است. علاوه بر این، بر اساس طرح معامله قرن حاکمیت بر غرب دره اردن همچنان متعلق به رژیم صهیونیستی خواهد بود (آجرلو، ۱۳۹۸: ۵۰). معامله قرن، معامله‌ای است که برای یافتن راه حلی برای مسئله فلسطین در نظر گرفته شده است، خواه این راه حل با توافق طرفین فلسطین و اسرائیل باشد یا راه حل تحمیل شده به طرف فلسطین. طبق "معامله"، قرار است کشور جدید فلسطین در اراضی نوار غزه و کرانه باختری تأسیس شود (به استثنای سرزمین‌های اشغالی که شامل شهرک‌های موجود اسرائیل است) (ابوکریم منصور، ۲۰۱۸: ۳). سوابق دولت آمریکا تا به امروز نشان می‌دهد که این طرح به منافع رژیم صهیونیستی نسبت به

حقوق فلسطینیان توجه می‌کند و اصول بنیادین داخلی را نادیده می‌گیرد. بنابراین رد این طرح توسط رهبران فلسطینی باید مورد انتظار باشد (آسبورگ، ۲۰۱۹: ۴). مهم‌ترین تفاوت با طرح‌های دولت‌های گذشته آمریکا که تحت عنوان «روند صلح خاورمیانه» معرفی شده بودند این است که ترامپ اساس طرح خود را بر اقتصاد گذاشته است؛ در حالی که طرح‌های دولت‌های گذشته آمریکا برای فلسطین همگی طرح‌هایی سیاسی بودند.

۳-۳. کشور فلسطین

کشور فلسطین، با ۶۲۶۳ کیلومترمربع مساحت سرزمین کم وسعتی است که در ناحیه خاورمیانه و در شرق مدیترانه قرار دارد. این سرزمین همچون پلی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا را به هم متصل می‌کند و قلب جهان عرب و حلقه اتصال شرق و غرب است و الهام‌بخش سه دین بزرگ دنیا است. چنین موقعیت مهم و خصوصیات ویژه، این کشور را به صورت یکی از مناطق استراتژیک جهان درآورده که به محل نزاع رقبیان منطقه‌ای تبدیل شده است. در نتیجه جنگ اعراب و صهیونیست‌ها در سال ۱۹۴۹-۱۹۴۸، سرزمین فلسطین به سه قسمت عمده تقسیم شد. بخش اعظم آن را رژیم صهیونیستی اشغال نمود که عبارت بود از ناحیه زراعتی جلیل، دشت ساحلی، صحرای نقب و دالان بزرگی که از دشت ساحلی تا شهر جدید بیت‌المقدس ادامه دارد. توسعه طلبی رژیم صهیونیستی در سال‌های بعد (۱۹۶۷) باعث شد بخش‌های دیگری از سرزمین فلسطین از جمله باریکه غزه به اشغال صهیونیست‌ها درآید. قسمت دوم، ناحیه‌ای کوهستانی بود که تا جنوب الخلیل ادامه داشته و شهر قدیم بیت‌المقدس را در برمی‌گرفت. این ناحیه در سال ۱۹۵۶ به کشور اردن ملحق شد ولی در سال‌های بعد (۱۹۶۷) رژیم صهیونیستی، بخش‌هایی از این ناحیه شامل شهر قدیم بیت‌المقدس را نیز به خود ملحق کرد. قسمت سوم (حدود ۳۸۰ کیلومترمربع) همان باریکه غزه بود که در سال ۱۹۴۹ تحت حکومت نظامی مصر درآمد. سه منطقه کوچک دیگر واقع در صحرای نقب و ناحیه دریای جلیل، مطابق قرارداد متارکه جنگ اعراب و اشغالگران صهیونیستی به مناطق غیرنظامی تبدیل شدند. در حال حاضر حدود ۳ میلیون فلسطینی در کرانه باختری، حدود ۲ میلیون نفر در نوار غزه و حدود ۲ میلیون نفر نیز در سرزمین‌های ۱۹۴۸ حضور دارند. علاوه بر این حدود ۷ میلیون فلسطینی نیز در خارج از فلسطین سکونت دارند (گروه محققین، ۱۳۹۸: ۱۵۳).

۴-۳. ابعاد معامله قرن

(۱) بعد سیاسی و حقوقی

شاید مهم‌ترین بندهای طرح «معامله قرن» عبارت است از تشکیل دولت فلسطین در نوار غزه و حدود نیمی از مساحت کرانه باختری اما با حاکمیت محدود که امنیت بخش اعظمی از کرانه باختری نیز به رژیم صهیونیستی سپرده خواهد شد همان‌گونه که رژیم صهیونیستی حاکمیت امنیتی بر رود اردن خواهد داشت. در قدس نیز محله‌های عرب نشین تحت حاکمیت دولت فلسطین خواهد بود به‌جز شهرک «البلده القدیمه» که تحت حاکمیت رژیم صهیونیستی قرار خواهد گرفت و «ابودیس»^۶ نیز به‌عنوان پایتخت فلسطین اعلام خواهد شد. در خصوص اماکن مقدس اسلام نیز، اردن و فلسطین حاکمیت دینی بر این اماکن را تقسیم خواهند کرد و غزه بعد از موافقت حماس بر خلع سلاح شدنش، به دولت فلسطین الحاق خواهد شد. موضوع قابل توجه این است که در طرح مذکور درباره آوارگان فلسطینی و حق بازگشت سخنی به میان نیامده است. بر این اساس، خلاصه طرح موسوم به «معامله قرن» این است که رژیم صهیونیستی «کشور ملت یهود است و فلسطین با حاکمیت محدود، کشور ملی فلسطینیان است». بندهای طرح مذکور به این ترتیب است:

۱. تعیین ابودیس (شهرکی که تنها چهار کیلومتر مربع مساحت دارد) به عنوان پایتخت کشور مستقل فلسطین؛
۲. الحاق ۳۰ درصد از اراضی کرانه باختری و غور اردن به اراضی اشغالی؛
۳. خلع سلاح‌های جنبش مقاومت اسلامی حماس در غزه و اعلام این منطقه به عنوان یک منطقه عاری از سلاح؛
۴. الزام فلسطینی‌ها برای به رسمیت شناختن "کشور یهود"؛
۵. عدم خروج صهیونیست‌ها از هیچ شهرکی در اراضی اشغالی فلسطین؛

۶ ابودیس (Abu Dis) شهری در سرزمین‌های فلسطینی است که در استان قدس واقع شده است. این شهر ۱۰/۷۸۲ نفر جمعیت دارد.

۶. تعیین قدس به عنوان "پایتخت یکپارچه اسرائیل؛

۷. اراضی ای که خارج از دیوار حائل قرار دارد، جزئی از اراضی فلسطین است؛

۸. حل و فصل مسأله آوارگان فلسطینی خارج از مرزهای اراضی اشغالی؛

۹. ساخت جاده‌ها و تونل‌هایی برای اتصال کرانه باختری به نوار غزه در کشور فلسطین؛

۱۰. دولت فلسطینی به وجود نمی‌آید(مقدمات ایجاد یک دولت بدون ارتش در بخش‌هایی از کرانه باختری که کمتر از ۴۰ درصد آن است طی مذاکراتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت (همشهری آنلاین، ۱۳۹۸).

۲) بعد اقتصادی

بعد اقتصادی این طرح از سایر ابعاد آن برجسته‌تر است و شامل محورهای ذیل خواهد بود:

- در بخش اقتصادی معامله قرن ترامپ هزینه‌های اجرای این طرح را بین کشورهای که از پیش با آمریکا ائتلاف تشکیل داده بودند، تقسیم کرد. برای اجرای معامله قرن ۵۰ میلیارد دلار هزینه برآورد شد. آمریکا اعلام کرد صندوقی با سرمایه‌ای بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار ایجاد خواهد کرد که برای سرمایه‌گذاری و ایجاد زیر ساخت مورد استفاده قرار خواهد گرفت. (جذب سرمایه‌گذاری و اعطای وام‌های کم‌بهره به فلسطینیان ساکن کرانه غربی، تأسیس بندری برای حمل‌ونقل دریایی و راه‌اندازی ایستگاه‌های تصفیه آب و بهبود شرایط اقتصادی). از این مبلغ، ۲۸ میلیون دلار آن به فلسطینیان در نوار غزه و کرانه باختری اختصاص خواهد یافت. ۹ میلیارد دلار به مصر، ۷٫۵ میلیارد دلار به اردن و ۶ میلیارد دلار به لبنان اختصاص خواهد یافت.

- ایجاد منطقه آزاد تجاری بین مصر و غزه، در نوار غزه تحت نظارت بیشتر مصری‌ها (تردد از مرز مصر)

- کمک‌های اقتصادی امارات و سعودی از جمله ایجاد خط لوله نفت از عربستان تا غزه و امکان ساخت پالایشگاه نفتی

- ایجاد منطقه آزاد تجاری بین غزه و العریش و احداث پنج طرح بزرگ اقتصادی در آن (از جمله نیروگاه خورشیدی)

- اسکان نیم تا یک میلیون فلسطینی در اردن در مقابل سرمایه‌گذاری ۴۵ میلیارد دلاری در اردن.

- تأسیس بندر مشترک فلسطینی و مصری با نظارت مصر در مقابل سرمایه‌گذاری ۶۵ میلیاردی و بازسازی سینا (پایگاه اطلاع‌رسانی صبح ساحل، ۱۳۹۸: ۲).

۵-۳. اهداف معامله قرن

ساختار بیان این طرح در فضای رسانه ای، نوعی جنگ روانی در منطقه غرب آسیا را نشان می‌دهد. این جنگ روانی با اهداف مختلف طراحی شده که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. انحراف افکار عمومی از شکست‌های پی در پی رژیم صهیونیستی در منطقه؛

۲. سنجش حساسیت دولتها، نخبگان و ملت‌های مسلمان درباره فلسطین؛

۳. ایجاد شکاف در بین مسلمانان؛

۴. تقویت جایگاه رژیم صهیونیستی.

صرف نظر از بعد جنگ روانی بیان شده، این طرح می‌تواند دارای اهداف دیگری نیز باشد. هر یک از اهداف مبتنی بر محورهای بیان شده در معامله قرن هستند که در مجموع شامل موارد زیر می‌گردد:

۵. خارج نمودن بیت المقدس از محور گفتگوها؛

۶. محروم نمودن فلسطینیان از حق بازگشت؛

۷. افزایش شهرک سازی؛

۸. رسمیت بخشیدن به وجود رژیم صهیونیستی؛

۹. تضعیف جبهه مقاومت از طریق فعالیت‌های دیپلماتیک و حذف گروه‌های مقاومت (سخاوتیان،

۶-۳. عوامل پیشران طرح معامله قرن

عوامل متعددی را برای پیشبرد این طرح ذکر کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. حمایت ویژه آمریکا از طرح معامله قرن: سیاست خارجی آمریکا از زمان تشکیل رژیم صهیونیستی اصولاً بر حمایت از رژیم صهیونیستی تأکید داشته است. ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یک قدرت مؤثر در عرصه جهانی و متحد اصلی رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی منطقه غرب آسیا می‌تواند تا حدودی با استفاده از روابط و قدرت خود، طرح‌های موردنظر خود را پیش ببرد.
۲. از اولویت خارج شدن قضیه فلسطین در منطقه غرب آسیا: ج.ا.ایران با اتخاذ رویکرد مقاومت به‌عنوان تهدید اصلی برای رژیم صهیونیستی و آمریکا در منطقه غرب آسیا تبدیل شده است. این رژیم و آمریکا در چند سال اخیر تلاش زیادی در منطقه غرب آسیا کرده‌اند تا بتوانند تهدید ایران برای خویش را به یک تهدید منطقه‌ای تبدیل کنند و به موازنه قدرت روزافزون ج.ا.ایران و جبهه مقاومت بپردازند و هم قضیه فلسطین را از اولویت منطقه غرب آسیا خارج سازند.
۳. چند پارگی فلسطینیان و کشورهای عربی: مواجهه با توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی و طرح‌هایی همچون معامله قرن که درصدد تثبیت این توسعه‌طلبی هستند، نیازمند یک انسجام فراگیر میان گروه‌های فلسطینی و کشورهای عربی است (آجر لو، ۱۳۹۸: ۵۱).
۴. روند سازش: این روند از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی مدنظر رؤسای این رژیم و حمایت‌های آمریکا و برخی از کشورهای مرتجع منطقه بود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:
 - قرارداد کمپ دیوید مابین مصر با رژیم صهیونیستی ۱۹۷۸ میلادی
 - قرارداد صلح اسلو یک در سال ۱۹۹۳ میلادی و قرارداد اسلو ۲ در سال ۱۹۹۵ میلادی
 - صلح رژیم صهیونیستی با اردن ۱۹۹۴ میلادی
 - طرح صلح عربی امیر عبدالله در سال ۲۰۰۲ میلادی و مذاکرات شرم‌الشیخ یک و دو.

۷-۳. موانع تحقق (پسران) معامله قرن

۱. نوار غزه: مهم‌ترین و جدی‌ترین مانع تحقق معامله قرن حماس و مقاومت غزه است. از سال گذشته تلاش‌های بسیاری برای اعمال تحریم‌ها و فشارهایی توأم با پیشنهادهایی وسوسه‌انگیز به حماس برای تن دادن به سازش بزرگ انجام شده است. مقاومت فلسطین در نوار غزه با درک اهمیت شرایط کنونی با جدیت به دنبال ایستادگی در مقابل معامله قرن است.

۲. تقویت ژئوپلیتیک جبهه مقاومت: بعد از دستاوردهای جبهه مقاومت در سال‌های اخیر، به تدریج بر قدرت این جبهه افزوده شد و رهبران این جبهه توانسته‌اند به انسجام و توسعه آن بپردازند. در این دوره، با ورود جدی‌تر کشورهای سوریه و عراق و همچنین انسجام گروه‌های مقاومت، اقدامات جبهه مقاومت فراتر از یک جبهه محلی رفت و به جبهه منطقه‌ای برای مقابله با محور غربی - عبری - عربی در غرب آسیا تبدیل گردید و به نوعی ژئوپلیتیک جبهه مقاومت تقویت شد؛ این امر هم می‌تواند یک پسران جدی در طرح‌های آمریکایی برای قضیه فلسطین همچون معامله قرن محسوب شود زیرا تداوم مقاومت در تعارض جدی با روند سازش است (مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۹۸: ۳).

۳. عدم همراهی افکار عمومی جهان عرب و اسلام: اقدامات برخی کشورهای عربی و اسلامی چون سوریه، عراق، تونس و ... علیه معامله قرن می‌تواند فضای سنگینی را علیه کشورهای سازشگر و دخیل در این مسئله مانند سعودی، اردن و مصر در جهان عرب ایجاد نماید و هدف آنان برای عاد سازی روابط با رژیم صهیونیستی را با مشکل روبرو سازد. عدم همراهی افکار عمومی و فضای اجتماعی جهان عرب و اسلام می‌تواند به یک مانع اصلی در تحقق معامله قرن تبدیل شود.

۴. مشکلات داخلی نتانیاهو: یکی دیگر از موانع تحقق معامله قرن، مشکلات داخلی نتانیاهو است. نتانیاهو اکنون به اتهامات فراوان قضایی و مالی متهم است. این پرونده‌ها فشارهای سیاسی و حقوقی را بر نتانیاهو بسیار افزایش داده است. برکناری نتانیاهو و عدم همراهی افکار عمومی ساکنان سرزمین‌های اشغالی با این طرح نتانیاهو می‌تواند آرزوی صهیونیست‌ها را با چالش روبرو کند.

۵. عدم همراهی اروپا و روسیه: طرح آمریکایی‌ها بدون هماهنگی و همراهی کشورهای اروپایی و روس‌ها تدوین و اجرایی شده است. مقدمه این طرح یعنی انتقال سفارت آمریکا به قدس اشغالی نشان داد که اروپا و روسیه از این مسئله بسیار نگران هستند و به شدت با آن مخالفت می‌کنند.

معامله قرن بدون مشورت قبلی با جامعه جهانی تهیه شده و مغایرت این طرح با راه حل اروپایی‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت، یک مانع نه چندان قوی برای تحقق آن است (مجموعه گزارش راهبردی، ۱۳۹۷: ۱۸-۱۷).

۸-۳. زمینه‌ها و بسترهای اجرایی کردن طرح معامله قرن

۱. به رسمیت شناختن بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی: بر اساس این طرح بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی معرفی می‌شود و پایتخت فلسطینی به شهر دیگری منتقل می‌شود. بر همین اساس، دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۷ قبل از ارائه طرح، بیت‌المقدس را به‌عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخت و به‌نوعی زمینه اقدامات بعدی را فراهم کرد.

۲. عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی: بعد از روی کار آمدن دونالد ترامپ، وی تلاش زیادی کرده تا روابط بعضاً غیر آشکار و امنیتی میان کشورهای عربی را به سمت روابط رسمی پیش ببرد. در این راستا می‌توان به تلاش آمریکا برای فراهم‌سازی زمینه سفر مقامات رژیم صهیونیستی به کشورهای عربی اشاره کرد. اوج این تلاش‌ها را می‌توان در سفر بنیامین نتانیاهو - نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی - به کشور عمان و همچنین سفر برخی از مقامات صهیونیست به کشورهای امارات متحده عربی و بحرین مشاهده کرد.

۳. کاهش اثرگذاری گروه‌های مقاومت در فلسطین و کشورهای پیرامون رژیم صهیونیستی: به نظر می‌رسد یکی از زمینه‌های اجرایی شدن طرح معامله قرن، تضعیف گروه‌ها و جریانات نزدیک به جبهه مقاومت در عرصه داخلی فلسطین و همچنین در کل منطقه غرب آسیا است. در این راستا آمریکا با اعمال فشار حداکثری بر ج.ا.ایران و گروه‌های مقاومت و همچنین تشدید فشارهای رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی علیه گروه‌های مقاومت همچون حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی با ایجاد محور آمریکایی، رژیم صهیونیستی و عربی در صدد تضعیف جبهه مقاومت هستند.

۴. استفاده از ابزارهای اقتصادی برای پیشبرد طرح معامله قرن: با توجه به شرایط سخت مالی حاکم بر کرانه باختری رود اردن و نوار غزه و همچنین کاهش سطح کمک‌های بین‌المللی و منطقه‌ای لازم به فلسطینیان، به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها سعی دارند با تحت فشار قرار دادن فلسطینیان با ارائه

طرح‌های حمایت مالی، این طرح را پیش برند. به همین دلیل شاهد کاهش حمایت‌های اقتصادی آمریکا و متحدانش از فلسطینیان هستیم (آجر لو، ۱۳۹۸: ۵۱).

۵. رونمایی بخش سیاسی معامله قرن در ۲۸ ژانویه ۲۰۲۰ توسط دونالد ترامپ.

۹-۳. پیامدهای طرح آمریکایی معامله قرن

به‌طور کلی طرح معامله قرن ترامپ یک محور کلیدی و یک هدف غایی را دنبال می‌کند و آن هم پیاده کردن بخش اصلی پروژه صهیونیسم در فلسطین یعنی اشغال کل فلسطین تاریخی است. در شکل زیر پیامدهای طرح معامله قرن نشان داده شده است:



شکل شماره ۱: پیامدهای معامله قرن

۱۰-۳. مواضع بازیگران و کشورهای مختلف در خصوص «معامله قرن»

۱. بازیگران داخلی رژیم صهیونیستی:

طرح معامله قرن برای نتانیاهو و راست‌گرایان رژیم، یک رویای باورنکردنی است که با روی کار آمدن ترامپ و حضور طیفی صهیونیست در اطراف ترامپ و همراه با نتانیاهو به واقعیت نزدیکتر شده است. انتقال سفارت و به رسمیت شناختن قدس به پایتختی رژیم صهیونیستی در کنار تلاش برای تحقق اشغالگری رژیم در همه مناطق شهرک‌های کرانه باختری، بخشی از اقداماتی است که نتانیاهو در دوره‌های پیشین، تحقق آن را برای خود بعید می‌دانست؛ اما با تحقق این طرح آن را عملیاتی شده می‌بیند.

۲. بازیگران داخلی فلسطین

الف) تشکیلات خودگردان فلسطین: در پروژه معامله قرن، بخش عظیمی از تشکیلات خودگردان و حتی محمود عباس بارها مخالفت خود را با طرح معامله قرن اعلام کردند. دلیل مخالفت محمود عباس با این طرح آن است که بیش از یک دهه وی و تشکیلات خودگردان مشروعیت خود را به بازپس گیری بخشی از حقوق فلسطینیان از طریق مذاکره گره زده بودند.

ب) جنبش جهاد اسلامی: جنبش جهاد اسلامی در کنار حماس از مخالفان اصلی طرح معامله قرن است. سخنان و مواضع تند این جنبش علیه اجرای این طرح نشان می‌دهد که نگاهی عمیق و کلان به این مسئله دارند.

ج) حماس: حماس بارها و به روش‌های گوناگون، مخالفت خود را با معامله قرن ابراز کرده است. اقدامات این جنبش در ماه‌های اخیر مانند راهپیمایی‌های بازگشت، بادبادک‌های آتشین و پاسخ‌های راکتی به حملات صهیونیست‌ها به صورت بی‌سابقه نشان دهنده برداشت خاص و ویژه این جریان از وضعیت کنونی فلسطین و مسئله معامله قرن است. ضمن آنکه سران حماس مانند جنبش جهاد اسلامی، معامله قرن را یک طرح بلندمدت برای مشروعیت بخشی به رژیم صهیونیستی و نابودی تفکر مقاومت علیه استکبار می‌دانند (مجموعه گزارش راهبردی، ۱۳۹۷: ۱۷-۱۶).

۳. بازیگران منطقه‌ای

الف) جمهوری اسلامی ایران: ج.ا.ایران با کمک‌های انسان دوستانه خود به مردم منطقه، مبارزه واقعی با تروریسم و حمایت همه‌جانبه از آرمان فلسطین، بیش‌ازپیش وجهه‌ای مثبت و مردمی در منطقه دارد. با مخالفت رسمی و قطعی ج.ا.ایران با این معامله، به نظر می‌رسد تحقق نهایی و کامل معامله ممکن نیست (مجیدی و شجاعی، ۱۳۹۷: ۹۴-۹۸).

ب) اردن: اردن یکی از اصلی‌ترین بازیگران تأثیرگذار منطقه‌ای در معامله قرن است. دو بیانیه اردن و رژیم صهیونیستی، تحلیل برخی رسانه‌های عربی را تأیید می‌کند که اردن در قبال گرفتن تضمین برای امنیت و اقتصاد خود در کنار حفظ مدیریت بر اماکن قدس شریف حاضر است از معامله قرن حمایت کند. تغییر وضعیت کرانه باختری و اشغال بخش‌های دیگری از آن توسط رژیم

صهیونیستی موجب آواره شدن بخشی از فلسطینیان به سوی اردن خواهد شد. ضمن آنکه در معامله قرن سخنی از حق بازگشت آوارگان به میان نیامده است.

ج) مصر: سیسی -رئیس جمهور مصر- گویا در مسئله معامله قرن همکاری خوبی با صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها داشته است. البته مصر با توجه به هم‌مرزی‌اش با نوار غزه و همچنین موضوع صحرای سینا در طرح معامله قرن منافع و حساسیت‌های خاص خود را دارد. علاوه بر این مصر ضمن اینکه به‌واسطه پیمان کمپ دیوید روابط صلح‌آمیز با رژیم صهیونیستی دارد، نقش میانجی را نیز میان جنبش‌های فلسطینی فتح و حماس ایفا می‌کند. بر این اساس، الگوی رفتاری مصر در قبال طرح معامله قرن، اعمال فشار بر تشکیلات خودگردان و گروه‌های مقاومت فلسطینی برای پذیرش این طرح و همچنین تداوم روابط صلح‌آمیز و حتی تقویت این روابط با رژیم صهیونیستی است.

د) عربستان و امارات: الگوی رفتاری عربستان و امارات در قبال این طرح آمریکایی در چهار محور عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، اعمال فشار بر تشکیلات خودگردان فلسطینی برای موافقت با این طرح، دادن وعده اقتصادی برای بازسازی غزه و کمک اقتصادی به اردن جهت حمایت از این طرح است. سعودی‌ها از معامله قرن اهداف گوناگونی را دنبال می‌کنند که عادی‌سازی روابط با تل‌آویو، کسب اعتماد آمریکا و تغییر نظم منطقه با نابودی جبهه مقاومت سه هدف سعودی‌ها از این طرح است (مجموعه گزارش راهبردی، ۱۳۹۷: ۱۷-۱۶).

۴. بازیگران بین‌المللی

الف) آمریکا: مهم‌ترین و اصلی‌ترین بازیگر در طرح معامله قرن، دولت ایالات متحده آمریکا است، زیرا طراح و یکی از مجریان طرح معامله قرن، دولت آمریکا است. هدف آمریکا به رسمیت شناختن قدس به‌عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی، حذف کامل مسئله قدس و تشکیل دو کشور فلسطینی و یهودی است. الگوی رفتاری آمریکا در قبال طرح معامله قرن را می‌توان در سه محور عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، سفرهای دیپلماتیک به منطقه غرب آسیا و سیاست هویج و چماق عنوان کرد (نمای راهبردی، ۲۵۱، ۱۳۹۸: ۳).

ب) اتحادیه اروپا: انگلیس و فرانسه دو بازیگر مهم اتحادیه اروپا در موضوع فلسطین و تحولات پیرامون آن هستند. به نظر می‌رسد این دو بازیگر طبق اصول همیشگی این اتحادیه که راه‌حل مسئله

فلسطین را تحقق دو دولت بر اساس مرزهای قطعنامه‌های شورای امنیت می‌داند. با معامله قرن به‌طور کامل موافق نیستند.

ج) روس‌ها: روس‌ها در سال‌های اخیر در مسئله فلسطین بسیار فعال و پویا عمل کرده‌اند. موضع روس‌ها همواره تحقق دو دولت بر اساس مرزهای قطعنامه سال ۱۹۴۸ است. از این منظر روس‌ها موضع‌گیری‌های نسبتاً خوبی در حمایت از نوار غزه و مخالفت با شهرک‌سازی‌ها داشته‌اند. اگر مسکو بر اساس اصول پیشین خود در مسئله فلسطین قضاوت و برخورد نماید، از مخالفان معامله قرن خواهد بود (مجموعه گزارش راهبردی، ۱۳۹۷: ۱۵).

۱۱-۳. مخاطرات احتمالی معامله قرن برای جبهه مقاومت

اجرای شدن طرح معامله قرن، مخاطرات احتمالی سیاسی و امنیتی را برای جبهه مقاومت و ج.ا.ایران در پی خواهد داشت که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. تضعیف روند مقاومت؛
۲. محدودیت بیشتر برای جبهه مقاومت با ایجاد رژیم‌های سیاسی و حقوقی جدید؛
۳. تسریع در برسازی تهدید جبهه مقاومت به‌عنوان مهم‌ترین تهدید منطقه غرب آسیا؛
۴. افزایش بی‌ثباتی در منطقه غرب آسیا؛ (مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۹۸: ۳). این طرح به‌عنوان یک موفقیت استراتژیک قابل قبول برای رژیم صهیونیستی و مشروعیتش خواهد بود و نقش کشورهای منطقه، به‌ویژه محور مقاومت را کم‌رنگ خواهد نمود.

۱۲-۳. چگونگی تأثیر معامله قرن بر جبهه مقاومت

مقاومت در برابر استکبار و زیاده‌خواهی قدرت‌های بین‌المللی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان گفتمان انقلاب اسلامی از جمله ماندگارترین و مؤثرترین راهبردهای کنشگری ج.ا.ایران تاکنون بوده است. بسط این گفتمان در طول چهار دهه حیات ج.ا.ایران از یک‌سو و همچنین پیوستن جمعیت‌های متنوعی در منطقه و جهان به این گفتمان موجب شده تا امروزه در بعد خارجی بتوان از محور مقاومت، دستورکارهای مقاومت، اهداف مقاومت و در یک کلام جبهه مقاومت نام برد. جبهه‌ای که

تاکنون دستاوردها و موفقیت‌های عدیده‌ای کسب کرده و توانسته جایگاه خود را به عنوان یک نیروی تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای و حتی بین‌المللی بازشناسد (نمای راهبردی ۶۷، ۱۳۹۸: ۳).

۱- در نگاه اول و با یک ارزیابی ساده می‌توان گفت که اساساً این طرح بدون مشارکت فلسطینیان طراحی و مطرح شده است و فلسطینی‌ها نیز هیچ انتخاب دیگری ندارند. با اجرایی شدن این طرح فشارهای مالی و سیاسی آمریکا و رژیم صهیونیستی بر تشکیلات خودگردان برای پذیرش معامله نیز روزبه‌روز بیشتر خواهد شد. در توافقات قبلی مقرر گردید ۲۲ درصد (از خاک فلسطین) به فلسطینیان و تشکیلات خودگردان واگذار شود در حالی که در این معامله ترامپ می‌خواهد ۴۰ درصد از همین ۲۲ درصد (یعنی بیش از کل مساحت فلسطین) را از آنها بگیرد. در صورت اتخاذ چنین تصمیمی، تشکیلات خودگردان متعاقباً منحل شده و مسئولیت اداره امور شهروندان فلسطینی در کرانه غربی بر عهده دولت اسرائیل به‌عنوان نیروی اشغالگر خواهد بود و در واقع کشور فلسطین از صحنه‌روزگار محو گردیده که این مسئله خود تأثیر و ضربه بزرگی بر جبهه مقاومت خواهد زد.

۲- یکی دیگر از اهداف طرح معامله قرن، نزدیکی اعراب و اسرائیل و همسو شدن آنها در تقابل با جبهه مقاومت و ج.ا.ایران است. از آنجایی که یکی از بازیگران اصلی طرح معامله قرن، عربستان سعودی است؛ حمایت مستقیم کشورهای عربی از جمله کشورهای حوزه خلیج فارس همچون قطر، امارات، عمان و یا سایر کشورهای عربی از این طرح و همسویی این کشورها برای تحقق آن موجب کاهش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران به عنوان رهبر جبهه مقاومت در منطقه می‌گردد. از جمله اقدامات اولیه کشورهای عربی برای حمایت از این طرح عبارتند از:

الف) موافقت آشکار و اعزام نمایندگانی برای شرکت در مراسم اعلام این معامله

ب) دعوت و واکنش شرم آور اردن (علیرغم مخالفت و اعتراضات گسترده مردم کشور اردن برای مقابله با این اقدام) برای پیوستن سایر کشورهای عربی به این روند.

ج) صدور بیانیه رسمی از سوی عربستان در جهت تقدیر از تلاش‌های رئیس‌جمهور آمریکا در رابطه با این طرح و خواستار شدن آغاز مذاکرات صلح مستقیم میان طرف‌های فلسطینی و اسرائیل زیر نظر آمریکا

۳) در صورت تحقق این طرح، افزایش احتمال درگیری نظامی گسترده میان رژیم صهیونیستی و گروه‌های جبهه مقاومت در نوار غزه قابل پیش‌بینی بوده و به دلیل حمایت‌های آمریکا و سران کشورهای منطقه از رژیم صهیونیستی، موجب تحمیل هزینه‌های فراوان و فرسایش و تضعیف جبهه مقاومت می‌گردد.

۴) هرچند که به نظر می‌رسد این طرح حتی صدای بخشی از دموکرات‌های آمریکا را نیز در آورده است، اما در واقع آنچه در مطرح کردن طرح معامله قرن نقش اساسی و محوری داشته، وعده انتخاباتی ترامپ به لابی‌های صهیونیستی و رژیم اشغالگر قدس است. به دلیل تأثیرگذاری آپیک در کلیه امور آمریکا به ویژه سیاسی و اقتصادی و حمایت آنان از اجرای معامله قرن، ترامپ سعی دارد با بهره‌مندی از حمایت این تشکیلات در جهت کسب موفقیت در انتخابات آتی، هر چه سریعتر این طرح را محقق سازد. در صورت پیروزی مجدد ترامپ در انتخابات، پیش‌بینی می‌شود فشارهای سنگینی که واشنگتن از هر سو در چند سال اخیر به ایران وارد کرده، افزایش یافته و این امر موجب تضعیف جایگاه ایران در منطقه خواهد شد. هرچند که ج.ا.ایران در برابر این فشارها تاکنون ایستادگی کرده است.

۵) با توجه به اینکه امروزه جبهه مقاومت پس از غائله داعش در عراق و سوریه در اوج خود قرار داشته و در حوزه منطقه‌ای توانسته در معادلات تأثیرگذار باشد و هر بازیگری به ناچار باید به نقش و جایگاه جبهه مقاومت توجه داشته باشد، اما زمان اعلام معامله قرن توسط ترامپ و دامادش که چند روز بعد از جنایت ترور سردار قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس و دوستان آنها انجام شد، احتمال می‌رود مطرح شدن معامله قرن مقدمه یا پوششی برای وارد کردن ضربات بیشتر به جبهه مقاومت باشد. درست مانند تحولات سال ۱۹۹۱ که کنفرانس مادرید بعد از تخریب عراق و وعده بوش پسر به تشکیل دولت فلسطین جهت سرپوش گذاشتن بر اشغالگری آمریکا در عراق انجام شد.

۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. یافته‌های تحقیق

با بررسی اسناد و مدارک و مصاحبه با صاحب‌نظران می‌توان به این واقعیت پی برد که در صورت اینکه این طرح به نتیجه برسد، گفتمان مقاومت در منطقه تضعیف شده و ارتباط ایران با

گروه‌های مقاومت کم‌رنگ‌تر شده و راهبرد منطقه‌ای برای راه‌اندازی پل سرزمینی از ایران تا لبنان با چالش جدی روبرو شود. این طرح با هدف مهار اقدامات ایران در سوریه و همچنین فشار بر متحدان ایران همانند عراق و گسترش روابط رژیم اشغالگر قدس با کشورهای منطقه در حال پیگیری است که در صورت اجرا می‌تواند تهدیدات امنیتی و دفاعی در مرزهای پیرامونی ج.ا.ایران را افزایش دهد. فشارهای دولت آمریکا بر رژیم صهیونیستی، کارتل‌های نظامی و مالی جهان که با ارائه مشوق‌هایی در تلاش هستند تا طرف فلسطینی را به پذیرش طرح راضی کنند، طولانی شدن بحران فلسطین و فشارهایی سیاسی بر دولت محمود عباس، تلاش دولت‌های متحد آمریکا مانند عربستان سعودی از جمله عوامل پیشران این طرح و مطالبات اسلامی و مقاومت مردم فلسطین، چالش‌های داخلی رژیم صهیونیستی، چالش‌های ذاتی این طرح که از آن جمله می‌توان به نادیده گرفتن حقوق دینی و مذهبی مردم منطقه اشاره کرد، تلاش‌ها و کنش‌های منطقه‌ای ایران و توان روزافزون محور مقاومت و جمعیت فلسطینی‌ها از جمله موانع پیش روی این طرح می‌باشد. به گفته برخی از صاحب‌نظران، معامله قرن تنها مسئله فلسطین را در بر نمی‌گیرد بلکه سوریه را نیز شامل می‌شود. بخشی از معامله قرن نیز شامل فشارهای گسترده عبری - عربی - غربی به رهبری آمریکا علیه ج.ا.ایران است. برخی از اهدافی که او دنبال می‌کند عبارتند از: حرکت به سمت طرح یک دولت یهودی در فلسطین و جایگزینی ایران هراسی به‌جای مبارزه با رژیم صهیونیستی در منطقه.

طرحی که آمریکا ارائه کرد بدون آنکه نتیجه‌ای برای فلسطین داشته باشد از فلسطین ابزاری برای مقابله آمریکا با نفوذ ایران می‌سازد. این طرح به دلیل تمرکز بر عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی، ائتلاف علیه محور مقاومت به‌ویژه ج.ا.ایران را آسان‌تر خواهد کرد. با اجرای این طرح، در ظاهر و از منظر کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا، موضوع فلسطین حل شده تلقی خواهد شد که نتیجه آن، افزایش تهدیدات علیه ایران خواهد بود. بدون شک ج.ا.ایران با این طرح مخالفت خواهد کرد و محور عبری - عربی - غربی در منطقه، ج.ا.ایران را به‌عنوان مانع آن مطرح خواهد کرد.

۲-۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در قسمت سؤالات شناختی، اطلاعات توصیفی مربوط به مشخصات جامعه نمونه شامل سه سؤال (سطح تحصیلات، سابقه خدمتی و جایگاه سازمانی) مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. فراوانی و درصد مربوط به جایگاه خدمتی پاسخ‌دهندگان نشان‌دهنده آن است که ۶۵ درصد از آن‌ها در جایگاه سرتیپی شاغل می‌باشند (۱۳ نفر) و ۶۰ درصد از جامعه نمونه، دارای تحصیلات دکتری

می‌باشند (۱۲ نفر). ۶۰ درصد جامعه نمونه، دارای سن خدمتی بالاتر از ۲۶ سال هستند (۱۲ نفر). با توجه به این موارد مشخص شد که جامعه نمونه از روایی مطلوبی جهت پاسخگویی به سؤالات مطرح شده برخوردار است. در قسمت سؤالات تخصصی، به منظور بررسی آماری و تجزیه و تحلیل اطلاعات، پرسش‌نامه‌ای شامل ۲۸ سؤال (بسته - پاسخ) در ارتباط با فرضیه‌های موردنظر تحقیق، تنظیم و در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار گرفت. برای آزمون فرضیه تحقیق، محقق روش آزمون کای مربع (مجذور کای) را انتخاب تا با رد فرضیه صفر، وجود همخوانی بین متغیرهای مستقل و متغیر تابع را تأیید نماید.

فرضیه اول: به نظر می‌رسد طرح آمریکایی معامله قرن در صورت اجرا موجب تضعیف گفتمان مقاومت (تضعیف محور مقاومت و حزب‌الله و سایر گروه‌های مبارز با رژیم اشغالگر قدس، تقویت رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای در مقابله با کشورهای محور مقاومت در منطقه) می‌گردد.

به منظور بررسی فرضیه فوق تعداد ۸ سؤال از پرسش‌شوندگان به عمل آمد که از تعداد ۲۰ نفر حجم جامعه مورد مطالعه، تعداد ۱۹ نفر (۹۵٪) تأثیر طرح آمریکایی معامله قرن در صورت اجرا بر تضعیف گفتمان مقاومت را خیلی زیاد و زیاد و تعداد ۱ نفر (۵٪) در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. پس مشخص می‌گردد اکثریت متخصصان مورد آزمون معتقد هستند که به نظر می‌رسد طرح آمریکایی معامله قرن در صورت اجرا موجب تضعیف گفتمان مقاومت (تضعیف محور مقاومت و حزب‌الله و سایر گروه‌های مبارز با رژیم اشغالگر قدس، تقویت رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای در مقابله با کشورهای محور مقاومت در منطقه) می‌گردد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد این اقدام تهاجمی دولت ترامپ در جهت کسب موفقیت در انتخابات آتی و برای حفظ منافع رژیم صهیونیستی است. به منظور بررسی فرضیه فوق تعداد ۶ سؤال از پرسش‌شوندگان به عمل آمد که از تعداد ۲۰ نفر حجم جامعه مورد مطالعه، ۱۸ نفر (۹۰٪) میزان تأثیر این اقدام دولت ترامپ را خیلی زیاد و زیاد و تعداد ۲ نفر (۱۰٪) در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. پس مشخص می‌گردد اکثریت متخصصان مورد آزمون معتقد هستند این اقدام تهاجمی دولت ترامپ در جهت کسب موفقیت در انتخابات آتی و برای حفظ منافع رژیم صهیونیستی است.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد طرح معامله قرن، به دلیل تمرکز بر عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی، ائتلاف علیه محور مقاومت به‌ویژه ج.ا.ایران را آسان‌تر خواهد کرد.

به‌منظور بررسی فرضیه فوق تعداد ۷ سؤال از پرسش‌شوندگان به عمل آمد که از تعداد ۲۰ نفر حجم جامعه مورد مطالعه، تعداد ۱۹ نفر (۹۵٪) میزان تأثیر تمرکز بر عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی را خیلی زیاد و زیاد و تعداد ۱ نفر (۵٪) در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. مشخص می‌گردد اکثریت متخصصان مورد آزمون معتقد هستند که طرح معامله قرن به دلیل تمرکز بر عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی، ائتلاف علیه محور مقاومت به‌ویژه ج.ا.ایران را آسان‌تر خواهد کرد.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد این طرح موجب کاهش نفوذ ج.ا.ایران به‌عنوان مهم‌ترین دشمن رژیم صهیونیستی در محیط راهبردی جبهه مقاومت به‌عنوان عمق نفوذ ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران می‌گردد. به‌منظور بررسی فرضیه فوق تعداد ۷ سؤال از پرسش‌شوندگان به عمل آمد که از تعداد ۲۰ نفر حجم جامعه مورد مطالعه، تعداد ۱۹ نفر (۹۵٪) میزان تأثیر طرح معامله قرن بر کاهش نفوذ ج.ا.ایران در محیط راهبردی جبهه مقاومت را خیلی زیاد و زیاد و تعداد ۱ نفر (۵٪) در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. پس مشخص می‌گردد اکثریت متخصصان مورد آزمون، معتقد هستند این طرح موجب کاهش نفوذ ج.ا.ایران به‌عنوان مهم‌ترین دشمن این رژیم در محیط راهبردی جبهه مقاومت به‌عنوان عمق نفوذ ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران می‌گردد.

آزمون فرضیه یکم و تحلیل آن:

به نظر می‌رسد این طرح موجب تضعیف گفتمان مقاومت نمی‌گردد: H_0 .

به نظر می‌رسد این طرح موجب تضعیف گفتمان مقاومت می‌گردد: H_1

جدول ۱: آزمون فرضیه یکم با استفاده از X^2 (کای مربع)

نظریه	فراوانی O	فراوانی مورد انتظار E	(O-E)	(O-E) ²	$\frac{(O-E)^2}{E}$
خیلی زیاد	۱۵	۲	۱۳	۱۶۹	۸۴.۵
زیاد	۳	۲	-۱	۱	۰.۵
متوسط	۱	۲	-۱	۱	۰.۵
کم	۰	۲	-۲	۴	۲
خیلی کم	۰	۲	-۲	۴	۲
جمع	۲۰	۲۰			$\Sigma = ۹۳.۵$

$$X^2 \cong \frac{(O-E)^2}{N} = ۴۶/۵$$

$$df \cong (R-1)(C-1) \cong (8-1)(5-1) \cong 28$$

$$X^2 \cong 46/5 | X^2(\delta, df) \cong 41/33$$

چون کای مربع محاسبه شده (۴۶/۵) بزرگ‌تر از کای مربع جدول با سطح خطای ۵٪ و درجه آزادی $(df) ۴۱/۳۳ - ۲$ می‌باشد، بنابراین H_1 تأیید شده (وجود رابطه معنی‌دار) و فرض H_0 رد می‌شود، پس با ۹۵٪ اطمینان می‌توان گفت میزان تأثیر متغیرهای مستقل (طرح آمریکایی معامله قرن) بر متغیر تابع (تضعیف محور مقاومت) معنادار بوده و ناشی از خطا و تصادف نمی‌باشد، طرح آمریکایی معامله قرن در صورت اجرا، موجب تضعیف گفتمان مقاومت [تضعیف محور مقاومت و حزب‌الله و سایر گروه‌های مبارز با رژیم اشغالگر قدس، تقویت رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای در مقابله با کشورهای محور مقاومت در منطقه] می‌گردد.

آزمون فرضیه دوم:

این اقدام تهاجمی دولت ترامپ در جهت کسب موفقیت در انتخابات آتی و برای حفظ منافع

رژیم صهیونیستی نیست: H_0

به نظر می‌رسد این اقدام تهاجمی دولت ترامپ در جهت کسب موفقیت در انتخابات آتی و برای

حفظ منافع رژیم صهیونیستی است: H_1

جدول ۲: آزمون فرضیه دوم با استفاده از X^2 (کای مربع)

$\frac{(O-E)^2}{E}$	$(O-E)^2$	$(O-E)$	فراوانی مورد انتظار E	فراوانی O	نظریه
۳۰/۲۵	۱۲۱	۱۱	۴	۱۵	خیلی زیاد
۰/۲۵	۱	-۱	۴	۳	زیاد
۱	۴	-۲	۴	۲	متوسط
۴	۱۶	-۴	۴	۰	کم
۴	۱۶	-۴	۴	۰	خیلی کم
$\Sigma = ۳۹/۵$			۲۰	۲۰	جمع

$$X^2 \cong \frac{(O-OE)^2}{N} = ۳۹/۵$$

$$df \cong (R-1)(C-1) \cong (6-1)(5-1) \cong 20$$

$$X^2 \cong 39/5 \mid X^2(\delta, df) \cong 31/41$$

چون کای مربع محاسبه شده (۳۹/۵) بزرگتر از کای مربع جدول با سطح خطای ۵٪ و درجه آزادی $(df) = ۳۱/۴۱ - ۲$ می باشد، بنابراین H_1 تأیید شده (وجود رابطه معنی دار) است و فرض H_0 رد می شود. پس با ۹۵٪ اطمینان می توان گفت میزان تأثیر معنادار بوده و ناشی از خطا و تصادف نیست. در نتیجه اقدام تهاجمی دولت ترامپ در جهت کسب موفقیت در انتخابات آتی و برای حفظ منافع رژیم صهیونیستی [همسویی بیشتر آپیک با آمریکا در جهت تقویت رژیم صهیونیستی، تقویت حضور و نقش آمریکا به عنوان یکی از بازیگران منطقه ای در حمایت از رژیم صهیونیستی] است.

آزمون فرضیه سوم:

به نظر می رسد طرح معامله قرن ائتلاف علیه محور مقاومت به ویژه ج.ا.ایران را آسان تر نخواهد

کرد: H_0

به نظر می رسد طرح معامله قرن ائتلاف علیه محور مقاومت به ویژه ج.ا.ایران را آسان تر خواهد

کرد: H_1

جدول ۳: آزمون فرضیه سوم با استفاده از X^2 (کای مربع)

نظریه	فراوانی O	فراوانی مورد انتظار E	(O-E)	(O-E) ²	(O-E) ² / E
حیلی زیاد	۱۵	۴	۱۱	۱۲۱	۳۰/۲۵
زیاد	۴	۴	۰	۰	۰
متوسط	۱	۴	-۳	۹	۲/۲۵
کم	۰	۴	-۴	۱۶	۴
حیلی کم	-	۴	-۴	۱۶	۴
جمع	۲۰	۲۰			$\Sigma = ۴۰/۵$

$$X^2 \cong \frac{(OOE)^2}{N} = ۴۰/۵۴$$

$$df \cong (R-1)(C-1) \cong (7-1)(5-1) \cong 24$$

$$X^2 \cong 40/5 \mid X^2(\delta, df) \cong 36/41$$

چون کای مربع محاسبه شده (۴۰/۵) بزرگ‌تر از کای مربع جدول با سطح خطای ۵٪ و درجه آزادی ۲ (df) - ۳۶/۴۱ می‌باشد، بنابراین H₁ تأیید شده (وجود رابطه معنی‌دار) و فرض H₀ رد می‌شود، پس با ۹۵٪ اطمینان می‌توان گفت میزان تأثیر معنادار بوده و ناشی از خطا و تصادف نمی‌باشد. در نتیجه اکثریت متخصصان مورد آزمون، معتقد هستند طرح معامله قرن به دلیل تمرکز بر عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی، ائتلاف علیه محور مقاومت به‌ویژه ج.ا.ایران را آسان‌تر خواهد کرد.

آزمون فرضیه چهارم:

به نظر می‌رسد این طرح موجب کاهش نفوذ ج.ا.ایران به‌عنوان مهم‌ترین دشمن این رژیم در محیط راهبردی جبهه مقاومت به‌عنوان عمق نفوذ ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران نمی‌گردد: H₀

به نظر می‌رسد این طرح موجب کاهش نفوذ ج.ا.ایران به‌عنوان مهم‌ترین دشمن این رژیم در محیط راهبردی جبهه مقاومت به‌عنوان عمق نفوذ ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران می‌گردد: H₁

جدول ۴: آزمون فرضیه چهارم با استفاده از X^2 (کای مربع)

$(O-E)^2$ E	$(O-E)^2$	$(O-E)$	فراوانی مورد انتظار E	فراوانی O	نظریه
۳۰/۲۵	۱۲۱	۱۱	۴	۱۵	خیلی زیاد
۱	۰	۰	۴	۴	زیاد
۲/۲۵	۹	-۳	۴	۱	متوسط
۴	۱۶	۴	۴	۰	کم
۴	۱۶	-۴	۴	۰	خیلی کم
$\Sigma = ۳۰/۲۵$			۲۰	۲۰	جمع

$$X^2 = \frac{(OOE)^2}{N} = ۴۰/۵۴$$

$$df = (R-1)(C-1) = (7-1)(5-1) = 24$$

$$X^2 = 40/5 \mid X^2(\delta, df) = 36/41$$

چون کای مربع محاسبه شده (۴۰/۵۴) بزرگ تر از کای مربع جدول با سطح خطای ۵٪ و درجه آزادی ۲ (df) - ۳۶/۴۱ می باشد، بنابراین H_1 تأیید شده (وجود رابطه معنی دار) و فرض H_0 رد می شود، پس با ۹۵٪ اطمینان می توان گفت میزان تأثیر معنادار بوده و ناشی از خطا و تصادف نمی باشد. در نتیجه این طرح موجب کاهش نفوذ ج.ا.ایران به عنوان مهم ترین دشمن این رژیم در محیط راهبردی جبهه مقاومت به عنوان عمق نفوذ ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران می گردد.

نتیجه گیری

تصمیمات مغرضانه و غیر مدبرانه دونالد ترامپ، ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، این بار در قضیه فلسطین خود را نشان داده است. در حالی که دولت های قبل از او به ویژه اوباما تلاش زیادی برای پایان دادن به منازعه دیرینه فلسطینی ها با صهیونیست ها داشتند اما اقدامات ترامپ نه تنها این اقدامات مقطعی را بی اثر کرد بلکه به مثابه مشوقی برای منغعت خواهی های سران رژیم صهیونیستی، توقعات آنها را دوچندان نمود. وی که در آینده نزدیک با انتخابات ریاست جمهوری روبرو است، سعی دارد از این طریق موفقیت استراتژیک قابل قبولی را برای رژیم صهیونیستی رقم

بزند تا از حمایت لابی صهیونیست‌ها (آیپک) در انتخابات ریاست جمهوری برخوردار باشد. این طرح مهم‌ترین طرح دولت ترامپ در قبال منطقه غرب آسیا و درعین حال یکی از طرح‌هایی است که به‌طور یکجانبه در راستای منافع رژیم صهیونیستی قرار دارد. این طرح آخرین مرحله از طرح‌های قبلی آن است که از چندین سال قبل آغاز شده است. با نگاهی به مواضع بازیگران و کشورهای مختلف در خصوص معامله قرن می‌توان دریافت که هرکدام از این کشورها اهداف گوناگونی را دنبال می‌کنند، اما آنچه در معامله قرن اهمیت دارد، هدف آن است نه جزئیات آن؛ زیرا یک گام بسیار مهم در مسیر تحقق آرزوی صهیونیست‌ها و تکمیل سیطره بر فلسطین است. حذف موضوع فلسطین، عادی‌سازی رابطه با رژیم صهیونیستی و تمرکز و هماهنگی کشورهای هم‌پیمان آمریکا در منطقه علیه ج.ا.ایران، افزایش تهدیدات علیه ایران، کم‌رنگ‌تر شدن ارتباط ج.ا.ایران با گروه‌های مقاومت، خلع سلاح گروه‌های مقاومت فلسطینی و معرفی کشورمان به‌عنوان مسئول ناامنی در منطقه از اهداف اصلی طرح مذکور است. فراموش نکنیم که کشورهای عربی برخلاف روند اسلو که در آن شرط کرده بودند پس از دریافت زمین‌های اشغال شده خود و تأسیس کشور مستقل فلسطین در مرزهای سال ۱۹۴۷، با رژیم صهیونیستی روابط عادی برقرار کنند حالا مجبورند بدون آنکه زمینی دریافت کنند، بدون آنکه کشور فلسطینی وجود خارجی داشته باشد و بدون اینکه چیزی با عنوان مرزهای ۱۹۴۷ به رسمیت شناخته شود با رژیم صهیونیستی روابط دیپلماتیک رسمی برقرار کنند و با دلارهای نفتی خود حتی هزینه‌های اجرای این طرح را نیز پرداخت نمایند تا شاید به‌زعم آمریکایی با تحقق معامله قرن، مسئله فلسطین حل شود.

برابر قرائن و شواهد می‌توان گفت که «معامله قرن» از فلسطین آغاز شده، از سوریه عبور می‌کند و در نهایت به ج.ا.ایران منتهی می‌شود. در واقع یکی از اهداف اصلی و اساسی معامله قرن، تضعیف و ضربه زدن به مثلث محور مقاومت است که یک ضلع آن در سوریه، ضلع دیگر در فلسطین و مهم‌ترین ضلع آن نیز در ایران قرار دارد. به‌طور کلی اجرای معامله قرن بی‌ثباتی و ناامنی گسترده در غرب آسیا را در پی خواهد داشت و می‌تواند وضعیت میدانی و سیاسی را در منطقه علیه محور مقاومت تغییر دهد و به کاهش عمق نفوذ ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در جغرافیای محور مقاومت و شکل‌گیری ائتلاف گسترده از محورهای رقیب علیه نفوذ جبهه مقاومت به‌ویژه ج.ا.ایران در منطقه منجر شود.

پیشنهادها

با توجه به بررسی وضعیت طرح معامله قرن و تحقیقات انجام شده و مصاحبه با نخبگانی که در این حوزه تجربه و مطالعه داشته‌اند موارد ذیل به‌عنوان پیشنهادهای محقق در راستای خنثی کردن اهداف طرح معامله قرن و مقابله با آن ارائه می‌گردد:

۱. تبیین مواضع پایدار و مستحکم ج.ا.ایران در حمایت از آرمان فلسطین با محوریت آرا و بیانات امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و سایر مسئولان و مردم ایران توسط نهاد های ذیربط.
۲. برجسته‌سازی مفاهیم وحدت‌بخش مقام معظم رهبری (حفظه... تعالی) در خصوص اتحاد دنیای اسلام، توسط نمایندگی‌های مسئول در کشورهای اسلامی.
۳. تأکید بر لزوم وحدت گروه‌ها و گرایش‌های مختلف سیاسی در فلسطین برای مقابله با طرح‌های آمریکایی -صهیونیستی با بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های داخلی و فرامرزی ج.ا.ایران
۴. استفاده از تمام قابلیت‌های موجود جهان اسلام در خصوص معرفی عوامل پشت پرده و تصمیم‌ساز این طرح مانند رژیم صهیونیستی و ائتلاف عربی، غربی در نزد افکار عمومی با استفاده از ظرفیت‌های بالقوه سازمان همکاری‌های اسلامی.

منابع

الف) منابع فارسی

- آجرلو، حسین (۱۳۹۸). «زمینه‌ها و موانع طرح آمریکایی معامله قرن». **ماهنامه سیاسی راهبردی بصائر**، شماره ۳۹۵، سال سی و ششم، خردادماه.
- پایگاه اطلاع رسانی همشهری آنلاین (۱۳۹۸). «آشنایی با معامله قرن». بهمن ماه.
- پایگاه اطلاع رسانی صبح ساحل (۱۳۹۸). «معامله قرن؛ تلاش آمریکا برای مدیریت منطقه». تیرماه.
- سقاوتیان، امیر (۱۳۹۷). «معامله قرن و بازتاب آن در جهان اسلام». **فصلنامه اندیشه تقرب**، سال چهاردهم، شماره ۳۶، صص ۳۹-۷۲.
- گروه محققین (۱۳۹۵). **مطالعه گروهی با عنوان «شناخت بحران‌های ژئوپلیتیک جهان اسلام در منطقه غرب آسیا و تأثیر آن بر تدوین راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران»**، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مجموعه گزارش راهبردی (۱۳۹۷). «طرح معامله قرن؛ بازیگران و موانع». تهران: اندیشکده راهبردی تبیین تیرماه، صص ۶-۲۰.
- مجیدی، حسن و شجاعی، جبار (۱۳۹۷). «شناخت زمینه‌های ارائه طرح معامله قرن، امکان‌سنجی و تحقق آن و رسالت شبکه‌های برون‌مرزی». **فصل‌نامه رسانه بین‌الملل**، شماره ۳، صص ۷۷-۱۰۲.
- مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر (۱۳۹۸). «واکاوی تحولات جدید طرح معامله قرن و مخاطرات احتمالی آن برای محور مقاومت». مردادماه.
- نمای راهبردی (۱۳۹۷). «شگفتی‌سازهای راهبردی فلسطین». گزارش **میز تخصصی - دفتر آینده‌پژوهی**، سال سیزدهم، شماره ۸۲، تیرماه. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- نمای راهبردی (۱۳۹۸). «محور مقاومت؛ چگونگی تقویت مقاومت ملت ایران در مقابل اقدامات همه‌جانبه استکبار و عوامل داخلی و منطقه‌ای آن»، شماره ۶۷.
- نمای راهبردی (۱۳۹۸). «الگوهای رفتاری بازیگران طرح معامله قرن». گزارش تحلیلی گروه راهبردی محیط پیرامونی و بین‌الملل، سال هفدهم، شماره ۲۵۱، اردیبهشت‌ماه.
- ب) منابع عربی
- أبوکریم، منصور (۲۰۱۸). «ملاح و بنود صفقة القرن الأمريكية»، قطر: الجزيرة.
- پ) منابع انگلیسی

Asseburg, Muriel (2019). «The “Deal of the Century” for Israel-Palestine» SWP COMMENT(German Institute for International and security Affairs), April 2019, No20.